

## حکم غیبت با ابزار قلم و رسانه‌های جدید



رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه درس خارج فقه خود در پاسخ به سؤالی پیرامون صدق غیبت در مواردی چون ذکر در نوشته، وبلاگ یا ضبط صوت و تصویر و انتقال آن، به نکات مهمی در تبیین احکام آن اشاره فرمودند.

جام جم آنلاین: رهبر معظم انقلاب اسلامی در جلسه درس خارج فقه خود در پاسخ به سؤالی پیرامون صدق غیبت در مواردی چون ذکر در نوشته، وبلاگ یا ضبط صوت و تصویر و انتقال آن، به نکات مهمی در تبیین احکام آن اشاره فرمودند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در جلسه درس خارج فقه امروز (7 دی ماه 1389) در ذیل بحث موارد استثناء از حکم حرمت غیبت، در پاسخ به سؤالی پیرامون صدق غیبت در مواردی چون ذکر در نوشته، وبلاگ یا ضبط صوت و تصویر و انتقال آن، به نکات مهمی در تبیین احکام آن اشاره فرمودند، که نظر به اهمیت بحث، این بخش از بیانات معظم‌له در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد:

اینی که اصلاً این کار [غیبت] جایز است یا جایز نیست ولو به قصد اصلاح باشد، این را نمیشود به طور مطلق یک چنین چیزی را پابند شد؛ که ما بگوئیم ما چون میخواهیم در امر جامعه اصلاح کنیم، پس زیدی را، عمروی را یا یک جریانی را به طور مطلق مورد تهاجم قرار بدهیم، غیبت کنیم؛ حالا آن کسانی که این کارها را میکنند، خیلی اوقات به غیبت هم اکتفاء نمیکنند؛ خوب، ملاحظه میکنید دیگر. گاهی چیزهایی را می‌آورند که معلوم نیست حدّ غیبت (1) بر او صادق باشد؛ شاید مصداق تهمت است، مصداق افتراء است، مصداق قول به غیر علم است، مصداق سبّ و شتم است؛ نمیشود این را گفت که اگر طرف قصد اصلاح دارد، پس بنابراین این جایز است برای او، نه؛ موارد استثناء همان مواردی است که [در کتب فقهی] ذکر شده است.

منتها باید این موارد صدق کند، احراز بشود. این خیلی مهم است. واقعاً یکی از چیزهایی که ما همه‌مان [باید توجه کنیم]، به مردم هم باید بگوئیم، یاد بدهیم که توجه بکنند این است که: به صرف توهّم این که حالا این کار مصلحت دارد، دستشان را، یا قلمشان را، یا وبلاگشان را آزاد نکنند که هر چه به دهنشان آمد، آن را بگویند؛ اینجور نیست، چون وسائل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است. یعنی خواندن وبلاگ هم مثل خواندن کاغذ است، کتاب است، نامه است، مثل شنیدن حرف است. استماع غیبت شامل همه‌ی اینها میشود؛ یعنی ملاک استماع در اینها وجود دارد مسلماً. شنیدن به گوش خصوصیتی ندارد، خواندن تو نامه هم عین همان است که ما در بحث استماع این را تأکید کردیم و عرض کردیم.

خب، دوربین هم همین جور است. فرض کنید که اگر چنانچه انسان یک خطائی را از کسی دید، این را رفت با دوربین ثبت کرد، بعد آمد یک جائی نشان داد؛ این هم همان است دیگر، چه فرقی میکند؟ یعنی بایستی واقعاً به اینها توجه کرد. محیط را باید محیط اخلاقی کرد. ما اگر بخواهیم جامعه را اصلاح بکنیم، این اصلاح فقط به این نیست که انسان از افراد غیبت بکند. راه‌های دیگری هم وجود دارد. حالا من غیبت را عرض میکنم. فضلاً (2) از تهمت و افتراء و اینها.

بنده یک وقتی به یک مناسبتی در یک صحبت عمومی عرض کردم به مردم که قرآن کریم میفرماید: &#171;لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیراً؛ (3) یعنی وقتی افک (4) را شنیدید چرا به همدیگر حسن ظن نداشتید؟ یعنی از اول رد کنید افک را. [اگر] آمدند به یک نفری تهمت زدند، یک چیزی را گفتند - حالا یا با عنوان تهمت یا به عنوان غیبت - چرا قبول میکنید؟ ببینید این کلمه‌ی لولای تحذیریه در قرآن و در کلام عرب خیلی معنای وسیعی دارد، فقط معنایش &#171;چرا؛ نیست، که ما بگوئیم چرا این کار را نکردی. چرای با تأکید است. یعنی آه، وای، چرا؛ معنای &#171;لولا؛ این است؛ تحذیریه است. {چرا} &#171;لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم [خیراً]؛ یعنی چرا به هم ظن نیک ندارید، چرا به هم حسن ظن ندارید. تا فوراً کسی آمد، شما بگوئید بله، احتمال درستی‌اش هم اگر بود، آدم به صورت یقین آن را بداند و نقل بکند. این درست نیست، این ممنوع است. این چیزی که امروز مورد ابتلاست در جامعه‌ی ما، از همان چیزهایی است که بایست از همین ادله‌ی غیبت بفهمیم که درست نیست؛ این وضعی که وجود دارد درست نیست. البته انتقاد منطقی، گفتن حرف صحیح اینقدر حرفهای آشکار وجود دارد که انسان اگر ذکر آنها را بکند، اصلاً هم غیبت نیست، و میتواند انسان نقد بکند. بله مسلم است، امروز یک جریان صحیح و حقی در جامعه‌ی ما وجود دارد، جریانهای باطلی هم وجود دارد که به انواع و اقسام طرق میخواهند جامعه را خراب کنند، انقلاب را منحرف کنند؛ در این شکی نیست. آدمهایی هم در رأس این جریانات هستند. چه لزومی دارد که انسان به این آدمها تهمت بزند. چه لزومی دارد که غیبت اینها را بکند. حرف آشکار اینقدر دارند؛ همان حرفهای آشکار را بیان بکنند، تبیین بکنند، توضیح بدهند، مطلب روشن خواهد شد؛ هیچ نیازی به غیبت کردن نیست که آدم بگوید حالا ما برای اصلاح مثلاً غیبت میکنیم.

بنابراین به نظر من همین ادله‌ای که در باب غیبت خواندیم، این تمام المراد را به ما نشان میدهد؛ یعنی واقعاً همانی که باید بفهمیم

از شرع مقدس همین را انسان میفهمد و تشخیص میدهد. باید بر طبق همین هم عمل کرد.

1) معنی غیبت، تعریف غیبت

2) تا چه رسد به

3) سوره‌ی نور، آیه 12

4) تهمت، افترا، نسبت ناروا